

و نه راحت جنت و گفتم که جوان مرد چون بنوع جمع است که
خود را سوزاند و مجلس افروزد و سر جوان مردان امیر المؤمنین
علی مرتضی کوم الله وجهه بوده است روزی عبدالممنی علیهم السلام را
گفت انک قاتلی گفتم یا امیر المؤمنین مرا بکش تا ازین فعل در ظهور
نیاید گفتم طریح ما آنست که بعد از گناه غمگنم نه پیش از گناه
عقوبت و فرمود که جوان مرد کسی است که در وی نشخ خضال
باشد تواضع در دولت و صبر در محنت و سخاوت بی منت
و عفو در تدرت و نصیحت در غلظت و وفا بهر اکنون بدان که مراد
از وفا بهر بنده بودنست و معلومست که بهتر و مهتر و با مخلوقا
محمد رسول الله است در حج او این آیت آمد قال لئن اذی الله
علی عبده الکتاب اگر نامی بهتر از عبد بودی فدای تعالی او را بدان نام

مخوانند بنیست و خلق او از عبودیت گود اینده اند و دعوی خدا
و ندی می کنند و ناد را باند که کسی بر بندگی خویش اقرار نامه
و قول را بنوعی آرد آورده اند که شخص بنده را می خرید سوال کردند
که ترا چه خصلت ماست گفت یکم خصلت آنست که اگر کسی عالم
ملك من کرده دایم که من بنده ام و تو خواجه منی و من بندگی
خویش را فراموش نکنم **بیت** من نیستم در غلط تا زنده ام
زانکه دایم دایما من بنده ام ای سالک راه حق بدان که چون
بنده عجب و پیدا پیدا شود و ترک بندگی خویش کند و چون
فرعون دعوی خدا و ندی آغاز کند و بخدا و ندیم خویش عاصی
کرد و زاین سبب است که فدای تعالی کنان داد و ست غمی
دارد **قوله** تعالی البسی فی جهنم مثوی المتکبرین پس که را فدای